ZENDEGI-SALAM
ضمیمه روزنامه خراسان
چهارشنبه • ۵ تیر ۱۳۹۸
۲۲ شوال ۱۴۴۰ • ۲۶ ژوئن ۲۰۱۹
شماره ۲۰۱۳۱
۱۳۵۴

درباره سینمای «هنروتجربه» و نسبتش با زندگی به مناسبت پنجمین سالگرد تولدش

هنر سینما، تجربه زندگی

الهه توانا | روزنامه‌نگار

پرونده

تابستان سال ۹۳ سینمای «هنروتجربه» متولد شد؛ مخاطب حرفه‌ای سینما که از «شهید ثالث» و «کیارستمی» و «نادری» خاطره خوبی داشت و با نسخه غیرایرانی هنروتجربه در سینمای آمریکا، فرانسه و بریتانیا آشنا بود، نوید هوایی تازه و صدایی ناشنیده و رنگی نو را در جریان خسته و خموده سال‌های اخیر سینمای ایران، پیشاپیش دیگران درک کرد؛ بیننده کمتر پیگیر، زمان بیشتری نیاز داشت تا با سوژه‌ها و پرداخت‌های متفاوت این سینمای جدید همراه شود. در این بین، جار و جنجال بین سینماگرها و منتقدها هم کم نبود. مخالف‌ها نگران بودجه و صندلی‌هایی بودند که قرار بود به فیلم‌هایی تعلق بگیرد که بیننده و اساسا ارزش دیدن ندارند؛ موافق‌های دلزده از سینمای تجاری، به «هنری» و «تجربی» بودنِ جریان جدید سینما امید بسته بودند. حالا بعد از پنج سال، هنروتجربه راه خودش را پیدا کرده‌است؛ حرف‌هایی می‌زند و تصویرهایی نشان می‌دهد که سال‌ها با توجیه «مردم این چیزها رو دوست ندارن»، بهشان بهایی داده نمی‌شد. مردم، به‌نظر فیلم‌سازهای جریان اصلی، فقط کمدی مبتذل دوست دارند و اجتماعیِ تیره می‌پسندند و عشقیِ سطح پایین می‌فهمند. حالا اما هنروتجربه با کارگردان‌های جوانِ خوش‌فکری که معرفی و طرفدارهایی که از بین «مردم» برای خودش دست‌وپا کرده، بر نظریه‌پردازی‌های بی‌مبنای پیش از خودش درباره سینما و مخاطبانش خط بطلان کشیده‌است. پرونده امروز، نه در دفاع از هنروتجربه -که به دفاع نیازی ندارد- بلکه در مدح این سینمای نو پا و موفق است.



مروری بر فیلم‌های موفق هنروتجربه

سینمای هنروتجربه، رویکرد تجاری ندارد و در نتیجه برای فروش بیشتر به هر چیزی متوسل نمی‌شود؛ هر چیزی یعنی چهره‌ها، بازی فریبکارانه با خط قرمزها، شوخی‌های هرزه، کپی الگوهای مطمئنی که قبلا جواب داده‌اند و دستاویزهای دیگری که در سینمای تجاری به دادِ فروش می‌رسند. فیلم ساز، مخاطبش را دور نمی‌زند و فریب نمی‌دهد؛ دنباله‌روی ذائقه و سلیقه او نیست و خودش را پشت ایدئولوژی و زشت مصلحت اجتماعی دردمند پنهان نمی‌کند. معنیِ این حرف‌ها البته تأیید و تشویقِ همه فیلم‌های هنروتجربه نیست. این گروه در برابرِ سینمای جریان اصلی، حدود و معیارهایی برای خودش قائل است که فیلم‌هایش را افارغ از خوب یا بد بودن‌شان، متمایز می‌کند؛ وجوه تمایز این دو جریان سینمایی بیش از این‌هاست اما ترجیح می‌دهم از خودِ فیلم‌ها مثال بیاورم تا ادعایم مستند باشد. در ادامه چند فیلم از گروه هنروتجربه را پیشنهاد می‌کنم که شخصا مجذوب قصه خلاقانه و روایت متفاوت‌شان شده‌ام. فیلم‌های هنر و تجربه، مدت زمان زیادی روی پرده نمی‌مانند و سانس‌های مهجوری هم دارند؛ پس بعید است موفق به تماشای همه آن‌ها در سینما شده باشید. به این دلایل، پیشنهادهای من، مربوط به فیلم‌های اکران شده در دو سال اخیر است. این فیلم‌ها را می‌توانید در سایت‌های دانلود و تماشای قانونی، ببینید.

کوپال | کارگردان: کاظم ملایی

«احمد کوپال»، شکارچی و تاکسی‌درمیست، قلعه‌ای برای خودش ساخته‌است دور از شهر و مملو از چیزهایی که دوست دارد؛ زندانی شیک و پر از امکانات با آثار و نشانه‌هایی که به او یادآوری می‌کنند چه شکارچی قوی‌دستی است و چقدر بی‌نیاز از دیگران. باشنیدن قصه فیلم اگر اسم شخصیت اصلی را ندانیم، بعید است آن را متعلق به سینمای ایران بدانیم بس که در سالن‌های سینمای ما همه در حال خیانت و دست‌وپازدن در فقر و پنهان کردن دروغ‌های‌شان هستند. «کوپال»، هراسی ضروری به جان مخاطبش می‌اندازد؛ هراس از گیر افتادن در دنیای مطلوب نفوذناپذیری که برای خودش ساخته‌است و شاید یک روز ببلعدش و حتی شاید همین الان هم بلعیده باشدش! وجه نمادین و استعاری پررنگ کوپال، آن را به فیلم‌های وراج ناصح تبدیل نکرده‌است. اجازه می‌دهد با خیال راحت از دیدنش لذت ببریم و پیامش را بدون جبهه‌گیری و خشم، بپذیریم.



پاپ | کارگردان: احسان عبدی‌پور

آدم این روزها اگر دلش برای قصه تنگ شود، سینما اولین چیزی نیست که به آن پناه می‌برد. «پاپ» از انگشت‌شمار فیلم‌هایی است که چیزی برای تعریف کردن دارد؛ قصه دختری که نامزدش توی زندان است و خودش را به آب و آتش می‌زند تا پسر را به مسابقه روبوکاپ برزیل برساند، قصه جوان عاشقی که محبوبش گذاشته رفته آن‌ور آب و پسرِ ساده‌دل هر روز تمرین شنا می‌کند تا یک روز بتواند دل به دریا بزند و قصه مردمیان‌سال سیه‌چرده‌ای که مهم‌ترین مسئله و دغدغه زندگی‌اش، انتخاب «پاپ» است چون به خیالش اگر سیاه‌پوستی قدرت را در واتیکان به‌دست بگیرد، تاریخ بدهی‌اش را به سیاه‌ها پس خواهد داد. پاپ اگر کتاب باشد، مجموعه داستان کوتاه خوش‌خوان و سرگرم‌کننده‌ای است بنابراین این فیلم به دیدنش می‌ارزد و می‌شود به هر کسی پیشنهادش کرد تا برای دیدنش وقت بگذارد.



رضا | کارگردان: علیرضا معتمدی

همسر رضا بعد از ۹ سال زندگی مشترک، تصمیم گرفته‌است از او جدا شود. رضا هنوز او را دوست دارد اما هیچ کاری نمی‌کند، چون واقعا او را دوست دارد! رضا، فاطی را به‌ماندن مجبور نمی‌کند؛ خودش را هم به تکان خوردن و بلندشدن، مجبور نمی‌کند. رضا کلا هیچ کاری نمی‌کند جز نشستن و تماشا. زورش به کسی و به زندگی نمی‌رسد. آرام و شوخ‌وشنگ، انگار همه‌چیز روبه‌راه است، روزگار می‌گذراندولی این فقط ظاهر ماجراست. عمق اندوه رضا را از قصه‌ای می‌فهمیم که در حال نوشتن و تعریف کردنش است؛ قصه پیرمرد صدساله‌ای که زیادی عمر کرده‌است و همراهانش او را در بیابان‌ها می‌کنند تا بمیرد. پیرمردی که هفت‌سال را در بیابان سپری می‌کند و حتی مرگ هم سراغش نمی‌آید اما روزی به معجزه عشق، دوباره سلامتی‌اش را به دست می‌آورد. قاب‌های بی‌نظیر فیلم، آلبوم چشم‌نوازی است که در سینمای ایران، کمتر به چشم‌مان خورده‌است.



جنبل | کارگردانان: هادی کمالی‌مقدم و مینا بزرگمهر

موسی، گرفتار افسون «دخت دیریا» (دختر دریا) شده و در جست‌وجوی عشق اوست. دخت دیریا اما به‌این راحتی که رخ نشان نمی‌دهد. موسی جَهله (نوعی ساز جنوبی) می‌نوازد به امید آن‌که بار دیگر، در کوزه‌اش صدای دریا بپیچد. از لباس‌هایی که اهالی جزیره برای اموات‌شان به «موم دیریا» (مادر دریا) داده‌اند، تابلوهای خوش‌رنگ می‌سازد و وادی‌های سخت‌مردافکن را پشت‌سر می‌گذارد. موسی، از عالم واقع به جهان خیال و افسانه پا می‌گذارد و ما را هم با خودش همراه می‌کند. «جنبل»، یک صفحه از رمان هزار صفحه‌ای افسانه‌های جنوب است؛ اگرچه در قالب مستند ساخته‌شده‌است اما مثل قصه‌اش، روایتی لغزان بین خیال و واقعیت دارد. تجربه تصویری نابی را که جنبل به کمک ویدئوآرت و پرفورمنس‌آرت به ما هدیه می‌کند، پیش از این تنها از قاب سینمای فانتزی‌ها و ملودرام‌های سطح پایین در سینمای فارسی قبل از انقلاب تاجریان اصلی امروز، توقع تأثیرگذاری نداشتیم و نداریم؛ جریان جدی‌تر سینماست که گاهی به تماشاگر سیلی می‌زند، متفاوت بودن را نشانش می‌دهد و به او می‌گوید می‌شود انسان بود و عاشق بود. شما می‌دانید به عنوان یک مثال از بی‌شمار کار درخشان، «هامون» مهرجویی بر جامعه روشنفکری و طبقه متوسط چه تأثیری گذاشت و باز همین‌طور به‌عنوان مثال می‌دانید «مادر» حاتمی، پیشنهاد تازه‌ای است درباره این که چطور می‌شود جهان را، اشیاء را و مادر را دوست داشت. با دیدن این فیلم و فیلم‌های مشابه، می‌فهمید کلام چیز باارزشی است و شعر، اتفاقی‌ست مهم. این دست فیلم‌ها اگرچه نسبت کمی از سینمای ایران و جهان را تشکیل می‌دهند اما موثرند؛ آینه‌هایی هستند برای نمایش آن‌چه هستیم و آن‌چه باید باشیم. با این تعریف، سینمای هنروتجربه همیشه وجود داشته‌است؛ از سال‌ها پیش با «اوگانیانس»، «فرخ غفاری»، «گلستان»، «بیضایی» و «آوانسیان» تابعدتر در آثار کسانی مثل «شهیدثالث»، «کیارستمی»، «مهرجویی»، «پناهی»، «جلیلی» و امروز در فیلم‌های «مکری»، «بهرام‌توکلی»، «شیروانی» و بسیاری دیگران. زمانی، اوضاعش بهتر بوده و وقتی هم مثل حالا با بی‌مهری طرف است.

یادداشت شفاهی «مجید برزگر»، کارگردان، درباره رابطه سبک زندگی و سینمای هنروتجربه

هنروتجربه علیه سینمای ویترینی

«مجید برزگر» را با فیلم «پرویز» می‌شناسیم. او البته خیلی پیشتر از این فیلم یعنی تقریبا حدود دهه ۷۰ با آثار تجربی و کوتاه وارد سینما شد و حالا فعالیتش در سینمای هنروتجربه در مقام کارگردان، تهیه‌کننده و نویسنده شناخته می‌شود. برزگر، هنروتجربه را سینمای قدمت‌داری می‌داند که امروز اسم و عنوانش عوض شده‌است اما بنا به‌رسم دیرینش، ارتباطی عمیق و تأثیرگذار با مخاطبش برقرار می‌کند. او دریادداشت شفاهی به زندگی سلام می‌گوید:

امروز بخشی از جریان اصلی سینما، به ساختن رویا مشغول است؛ رویاهایی که ممکن است سرشار از دروغ باشند یا فاصله‌ای بعید با واقعیت داشته باشند. منظورم این نیست که سینما باید نمایشگرِ واقعیت باشد، هنر، اتفاقا بدیل واقعیت نیست و تفسیر متفاوتی از آن است اما سینمای رویاپرداز کارش چیز دیگری است؛ فیلم‌های جریان اصلی نسبتی با خیال که امر مهمی است، ندارند؛ سروکارشان با عشق‌هایی است که فقط در همان فیلم‌ها پیدا می‌شود و قهرمان‌های پوشالی و چیزهای دور از دسترس. اگر فیلم فارسی را از پیش از انقلاب تا الان بررسی کنید چیزی پیدا نمی‌کنید جز ماجرای آدم‌های خوش‌تیپ و قصه پسرِ ندار و دختر پولدار و مثلا زندگی فقیرهایی که الکی خیلی خوشحال هستند.

سینما اگرچه به‌نوعی به این‌ها نیاز دارد اما با تماشاگر کاری نمی‌کند و برزندگی او تأثیری نمی‌گذارد؛ تلاش سینمای کاملا ویترینی ایران است برای فرار از محدودیت‌ها. برای ردیابی سینمایی که مشخصا قصد دارد بنا را روی زیستِ واقعی مردم عادی و طبقاتِ برسازنده جامعه قرار دهد و از طرفی لذت سینما و خیال سینما را زنده کند باید به سمت دیگری رو برگردانیم. از این سمت است که سینما می‌تواند پیشنهادهای جدیدی برای‌مان داشته باشد و حتی سبک زندگی‌مان را تغییر بدهد؛ قادر است مجاب‌مان کند بیشتر بدانیم، بیشتر بخوانیم و همدیگر را رعایت کنیم. این کار تنها از عهده نوعی از سینما برمی‌آید که در جهان و در طول ۸۰ سال فیلم‌سازیِ جدی ایران، توانسته است نگاه ما را به عشق، خانواده، دوستی، وطن و خیلی مفاهیم دیگر عوض کند. همان سینمایی که امروز «هنروتجربه» می‌نامیم‌اش و در زمان‌های مختلف اسم‌های دیگری داشته‌است از جمله؛ متفکر، مستقل و هنری. هیچ‌وقت از کمدی‌ها،



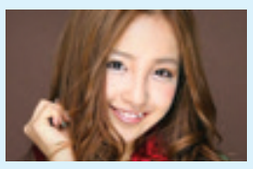
ملاک‌های عجیب زیبایی زنان در کشورهای مختلف

دندان کج هم باکلاس شد!

پرونده

بسته به کشوری که یک فرد در آن زندگی می‌کند، ایده‌آل‌هایی که زیبایی واقعی را تشکیل می‌دهند، می‌توانند بسیار متفاوت باشند. در واقع زیبایی در چشم دیگران نمایان می‌شود اما جنبه مثبت و جالب قضیه این است که چیزهایی که ما ممکن است در وجود خود نقص ببینیم، ممکن است در جایی دیگر از شاخص‌های زیبایی و جذابیت محسوب شود!

ژاپن | دندان‌های کج



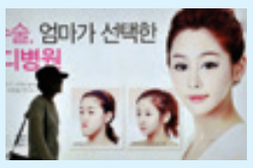
در کشورهای غربی، دندان‌های صاف و یکدست ملاکی برای یک لبخند عالی است و خیلی‌ها نمی‌توانند تصوری غیر از این را در ذهن خود داشته باشند. با این حال در ژاپن، چیزهایی بر خلاف جاهای دیگر وجود دارد. در این کشور اوج زیبایی و جذابیت "Yaeba" یا دندان‌های کج است و این عقیده وجود دارد که افرادی با این ویژگی نازتر و خواستنی‌تر هستند!

گینه نو | خراش و برآمدگی پوست



ساکنان کشور گینه نو و چندین کشور آفریقایی دیگر، همچنان بدن‌هایشان را با الگوهای فراوانی از بریدگی‌های هنری تزیین می‌کنند. این زخم‌ها برای زنان از نشانه‌های زیبایی و جذابیت در نظر گرفته می‌شود. در دنیای پیشرفته و توسعه‌یافته امروز هنوز هم افراد بسیار زیادی هستند که این زخم‌ها را نشانه زیبایی می‌دانند!

کره جنوبی | صورت قلبی شکل



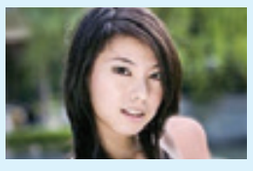
در کره جنوبی، جراحی پلاستیک نه‌تنها همه‌گیر و به شدت رواج دارد بلکه عملی کاملا طبیعی در نظر گرفته می‌شود. در این کشور داشتن صورتی قلبی شکل از ملاک‌های ویژه زیبایی و جذابیت است. برای به دست آوردن چنین صورتی، بسیاری از کره‌ای‌ها حاضر هستند عمل‌های پیچیده زیبایی فراوانی را تحمل کنند. در بسیاری از مواقع استخوان‌های فک از سه جا شکسته می‌شود و قسمت مرکزی خارج و دوبخش کناری با هم ترکیب می‌شوند تا چانه‌ای دلخواه فردایجاد شود. بعد از این گونه عمل‌ها، فرد تا مدت‌ها نمی‌تواند از غذاهای جامد استفاده کند.

موریتانی | اضافه‌وزن



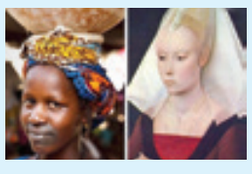
زنان موریتانی اگر چاق نباشند و چربی‌های زیادی در قسمت شکم‌شان نداشته باشند، هیچ شانسی برای جذب نگاه مردان و ازدواج نخواهند داشت! برای اطمینان از این که دختران به ابعاد و اندازه مورد قبول برسند، والدین، آن‌ها را به مکان‌های خاصی می‌فرستند، جایی که می‌توانند تا ۱۶ هزار کالری در روز (طبیعی=۱۵۰۰) غذا بخورند. متاسفانه به دلیل این رسم و سنت، بسیاری از دختران به مشکلاتی از جمله چربی خون و دیابت گرفتار می‌شوند.

چین و تایلند | پوست رنگ پریده



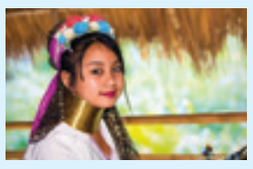
در بسیاری از مناطق شرق آسیا، پوست رنگ پریده به عنوان یکی از شاخص‌های طلایی زیبایی در نظر گرفته می‌شود. اگر در این کشورها به فروشگاهی برای خرید کرم‌های صورت بروید، بعید است کرمی بیابید که در آن سفید کننده وجود نداشته باشد. این مورد حتی برای محصولات مردانه نیز صدق می‌کند. بسیاری از چینی‌ها در سواحل این کشور از ماسک‌های مخصوصی استفاده می‌کنند تا پوست آن‌ها از آثار نور خورشید در امان بماند. افزون بر این زنان چینی و تایلندی به دلیل این که غربی‌ها پوست خود را برنزه می‌کنند، آن‌ها را ادیوانه می‌دانند.

آفریقا | پیشانی بلند



مهم‌ترین ویژگی برای یک زن در قبیله "فولا" در آفریقا داشتن پیشانی بلند است. به همین دلیل است که تعدادی از زنان قسمت جلویی موهای خود را می‌تراشند تا به نظر برسد که دارای پیشانی بلندی هستند. سنتی مشابه در میان زنان اروپایی در قرون وسطی وجود داشت که زنان موهای سر خود را تا قسمت میانی می‌تراشیدند.

برمه | گردن بلند



منطقه‌ای در قسمت‌های شرقی برمه "سرزمین زنان زرافه‌ای" نامیده می‌شود. این نام به مردمان "کایان" که در آن جا زندگی می‌کنند، برمی‌گردد که زنان اطراف گردن‌شان حلقه‌های برنجی قرار می‌دهند. مردمان این منطقه بر این عقیده‌اند که هرچه گردن یک فرد بلندتر باشد، آن فرد زیباتر به نظر می‌رسد. مطابق با افسانه‌ها، این حلقه‌ها زنان را از حمله ببرها محافظت می‌کرده است، اگرچه در واقعیت آن‌ها روشی برای بیان هویت قبیله‌ای مردمان کایان هستند.

اتیوپی | لب‌های کشیده و پوست قرمز



در قبیله «مرسی» در اتیوپی، دختران یاد می‌گیرند که به وسیله صفحه‌هایی گرد، پوست لب پایینی خود را بکشند. هر چه این صفحه بزرگ‌تر باشد، جایگاه اجتماعی آن دختر بالاتر می‌رود و هدایای بیشتری را قبل از ازدواج دریافت می‌کند. حرکتی مشابه نیز در میان قبیله "سوری" یافت می‌شود. آن‌ها قبیله کوچک آفریقایی هستند که در منطقه‌ای در جنوب غربی اتیوپی نزدیک مرز سودان و یکی از چندین قبیله‌ای هستند که در دره حاصلخیز "اومو" زندگی می‌کنند و جمعیت آن‌ها حدود ۲۰ هزار نفر است.

تاجیکستان | ابروهای پیوسته



در برخی از مناطق تاجیکستان، موی بین ابروها به عنوان نشانه زیبایی محسوب می‌شود. اگر دختری به صورت طبیعی این موها را نداشته باشد، با استفاده از لوازم آرایشی این موها را ایجاد می‌کند. مردم محلی بر این باورند که ابروهای پیوسته برای یک فرد خوش‌شانسی به همراه خواهد داشت.

منابع: عصر ایران، برترین‌ها